

خاطرات سیاسی
قوام السلطنه

غلامحسین میرزا صالح



ketabTala



خاطرات سیاسی قوام السلطنہ

سرشناسه	: قوام السلطنه، احمد، ۱۲۵۲-۱۳۳۴.
عنوان و نام پدیدآور	: خاطرات سیاسی قوام السلطنه / غلامحسین میرزاصالح.
مشخصات نشر	: تهران: معین، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	: ۳۴۸ ص
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۱۶۵-۰۸۰-۵
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.	
موضوع	: قوام السلطنه، احمد، ۱۲۵۲-۱۳۳۴. - خاطرات.
موضوع	: سیاستمداران ایرانی - خاطرات.
موضوع	: ایران - تاریخ - پهلوی، ۱۳۰۴-۱۳۵۷ - خاطرات.
شناسه افزوده	: میرزاصالح، غلامحسین، ۱۳۲۴ -، گردآورنده.
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۱ ۹۱۳/ق ۱۲۸۶ DSR
رده‌بندی دیویی	: ۹۵۵/۰۸۲۴۰۹۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۰۴۲۹۶۰

خاطرات سیاسی قوام السلطنہ

غلامحسین میرزا صالح



انتشارات معین



انتشارات مین

روبه روی دانشگاه تهران، فخررزی، لانس داریان، پلاک ۳

تلفن ۵۹۹۲۰۵۹۹۲ و ۶۶۴۰۷۷۳۷۲

www.moia-publisher.com

E-mail: info@moia-publisher.com



@MoiaPublisher



@MoiaPublisher

خاطرات سیاسی قوام السلطنه

غلامحسین میرزا صالح

چاپ اول: ۱۳۹۲

چاپ ششم: ۱۴۰۱

تیراژ: ۳۳۰ نسخه

صفحه‌آرایی: علم‌روز

لیتوگرافی طیف‌نگار، چاپ مهارت

تمامی حقوق این اثر برای انتشارات مین محفوظ است

۱۰۷۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

- ۹ نظری به یادداشت‌های قوام‌السلطنه.....
- ۷۹ کافتنرادزه در تهران.....
تهیه طرح تحریم مذاکرات نفت
- ۹۱ شوروی و تجزیه آذربایجان.....
حکومت خودمختار پیشه‌وری
- ۹۸ تشکیل حکومت‌های خودمختار آذربایجان.....
کردستان آزاد
وقایع خراسان
- ۱۰۹ نخست‌وزیری صدراالاشراف.....
ورود سیدضیاءالدین طباطبائی به ایران
شورای متحده مرکزی
امتناع دولت شوروی از تخلیه خاک ایران
- ۱۲۸ مذاکرات وزرای خارجه دولت‌های آمریکا.....
انگلیس و شوروی درباره ایران
سیاست فرماندهی کل ارتش سرخ راجع به ایران
- ۱۳۵ طرح تجزیه ایران.....
مذاکرات وزرای خارجه دولت‌های آمریکا، انگلیس و شوروی درباره ایران
سیاست فرماندهی کل ارتش سرخ راجع به ایران
طرح تجزیه ایران

- تجزیه آذربایجان و کردستان
- ۱۴۴ شکایت ایران علیه شوروی
اعلام حکومت جمهوری کردستان بوسیله قاضی محمد
- ۱۵۳ ملاقات با سفیر شوروی
ارسال تلگراف و نامه
به سران کشورهای انگلستان، آمریکا و شوروی
- ۱۷۰ مظفر فیروز معاون سیاسی
آزادی احزاب
دکتر مصدق و تمدید دوره چهاردهم مجلس
عزیمت به مسکو
تغییر سفرای انگلیس و آمریکا در ایران
- ۱۸۲ اسرار مذاکرات مسکو
رفتار خشن استالین
مذاکره با استالین و مولوتف
تلگراف از مسکو به نایب نخست وزیر
ختم مذاکرات مسکو و صدور اعلامیه مشترک
- ۱۹۰ پایان دوره چهاردهم مجلس شورای ملی
توقیف سید ضیاءالدین
تعیین سادچیکف به سمت سفیر کبیری شوروی در ایران
تخلیه خاک ایران از ارتش سرخ
- ۲۰۱ مواد موافقتنامه قوام - سادچیکف
اسناد سیاسی مربوط به تخلیه قوای شوروی از ایران
تشکیل شرکت مختلط استخراج نفت شمال
- ۲۰۹ ورود پیشه‌وری به تهران
چگونگی ربودن مفتاح رمز پیشه‌وری
تصویرنامه هفت ماده‌ای مربوط به اختیارات
دموکرات‌های آذربایجان
- ۲۲۵ نخست وزیر شدن پیشه‌وری
انتخاب دکتر جاوید به سمت استاندار آذربایجان
تشکیل حزب دموکرات ایران
توقیف و تبعید مورخ الدوله سپهر

- ۲۵۶ شرکت رهبران حزب توده در کابینه
توطئه جنوب
- ۲۷۱ حوادث فارس
برکناری وزیرای عضو حزب توده از دولت
تشکیل اتحادیه سندیکاهای کارگران
شکست شورای متحده مرکزی کارگران
- ۲۸۳ انتخابات دوره پانزدهم مجلس
تجدید نظر در قرارداد نفت جنوب
- ۳۰۱ اعلام جرم بر ضد قوام
نطق مهم
سقوط کابینه
- ۳۲۹ نمایه‌ها
فهرست نام اشخاص
فهرست نام جای‌ها
احزاب، گروه‌ها، مؤسسات و نهادهای مدنی
جراید و خیرگزاریها
- ۳۴۳ تصاویر

نظری به یادداشت‌های قوام‌السلطنه

قوام‌السلطنه در آغاز یادداشت‌های خود پس از شرح مسافرت به مسکو و ملاقات با ژنرال‌یسم استالین نوشته است: «من با یک صفای باطن نسبت به روس‌ها به مسکو رفتم، در حالی که با یک مغز پر تزویر درباره آنها به تهران بازگشتم.»

پس از بازگشت از مسکو اولین مرحله بازی‌ای که قوام می‌خواست با روس‌ها بکند تشکیل حزب دموکرات ایران بود، زیرا او خوب می‌دانست که برای مقابله با جمعیتی موجود یک جمعیت مشابهی لازم است و تشخیص داده بود که با سرنیزه نمی‌توان به جنگ اجتماع رفت. بنابراین برای از هم پاشاندن حزب توده و فرقه دموکرات آذربایجان و حزب کومله کردستان لازم بود یک حزب قوی و متشکل در سراسر مملکت به وجود آورد تا در هنگام لزوم بدست مردمی که در این حزب سیاسی اجتماع می‌کنند آن احزاب را کوبید و برای همیشه قلم قرمز به روی نام آنها کشید.

یکی از خصوصیات اخلاقی قوام این بود که وی نسبت به همه

کس بدبین بود و همه چیز را با عینک سوءظن می‌نگریست و به همین جهت بود که در بدو زمامداری خود یک سازمان مخفی تشکیل داده بود که تا روز آخر هم کسی از اصرار این سازمان آگاهی نیافت. وظیفه این سازمان مخفی کسب خبر و خرید اطلاعات بود و مخصوصاً در کلیه احزاب و جمعیت‌ها این سازمان مخفی اشخاصی را خریده بود که به نفع قوام جاسوسی می‌کردند... قوام السلطنه در یادداشت‌های خود کلیه آنها را در لیست اسامی کسانی که از بودجه سری حزب دموکرات استفاده کرده‌اند آورده است. بوسیله همین سازمان جاسوسی بود که قوام السلطنه پس از بازگشت از مسکو خبری دریافت داشت که حزب توده در صدد ائتلاف با حزب ایران است. پس برای مقابله و خنثی کردن فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی این احزاب قوی به فکر تشکیل حزب دموکرات افتاد و بلافاصله دستور داد که مرامنامه و اساسنامه جامعی برای این حزب نوشته شود.

در این میان مظفر فیروز برای آن که بتواند دل حساس این حزب را در دست بگیرد خودش به تنهایی داوطلب تنظیم این مرامنامه و اساسنامه شد و پس از چند روز مطالعه مرامنامه‌ای نوشت که بسیار جالب و در عین حال مترقی بود.

پس از تهیه و تنظیم مرامنامه و اساسنامه حزبی قوام السلطنه در شب یکشنبه نهم تیرماه ۱۳۲۵ ضمن نطق مؤثری که در رادیو ایراد کرد تشکیل حزب دموکرات ایران را اعلام داشت. برای تمام افرادی که خطر حزب توده را در بالای سر خود احساس می‌کردند تشکیل حزب دموکرات مزده بزرگی بود و همه دریافتند که تنها بوسیله همین حزب می‌شود ریشه احزاب چپ را که در ایران به مرحله خطرناکی رسیده بودند از بیخ برکنند.

انتشار نطق قوام به همان اندازه که برای سرمایه‌داران، ملاکین، افراد متعصب و آنها که نسبت به مرام کمونیسم بغض و کینه فراوانی در دل

داشتند، امیدبخش بود؛ به همان اندازه برای پیشه‌وری و همدستانش ناهنجار می‌نمود.

روز بعد مردم بطور عجیب و بی‌سابقه‌ای از این حزب نوظهور استقبال کردند و با ولع و اشتیاق عجیبی به کلوپ مرکزی حزب که در کافه شهرداری قرار داشت هجوم بردند تا نام خود را در دفتر اعضای حزب دموکرات ایران ثبت نمایند.

بدیهی است که این استقبال عجیب، زعمای حزب توده و فرقه دموکرات را سخت ناراحت و نگران ساخت و به روس‌ها بیدارباش دادند که زیاد هم نباید به فعالیت‌های قوام‌السلطنه از دریچه چشم خوشبینی نگرست، ولی در اینجا باز هم مظفر فیروز نیرنگ ماهرانه‌ای به‌کار برد و آن این بود که قبل از وقت به روس‌ها حالی کرده بود که: «زیاد هم نمی‌شود به حزب توده و فرقه دموکرات آذربایجان اعتماد کرد، اجازه بدهید من بدست قوام‌السلطنه یک حزب جدید تشکیل بدهم تا بوسیله این حزب بتوانیم به مقاصد سیاسی خود جامه عمل بپوشانیم.» به همین جهت بود که روس‌ها بعد از تشکیل حزب دموکرات تردید داشتند که آیا وجود این حزب موجبات پیشرفت مقاصد سیاسی آنها را فراهم خواهد ساخت، یا سدی در مقابل آن خواهد بود! زیرا اگر مظفر فیروز در ایران باقی می‌ماند روی اعتمادی که به او داشتند ممکن بود در آینده بهره‌هایی از وجود حزب دموکرات بگیرند، ولی روس‌ها از این وحشت داشتند که مظفر در مقابل آن همه دشمنانی که برای خود ایجاد کرده است و در رأس آنها دربار قرار داشت نتواند ایستادگی کند و از میدان دربرود و سرنوشت بدست افرادی بیفتد که مخالف اصول و تئوری‌های مارکسیسم بودند. بطوری که همه می‌دانند بالأخره این کابوس حقیقت پیدا کرد و مظفر به‌عنوان سفیر کبیر به مسکو روانه شد و زمام امور حزب دموکرات بدست عده‌ای افتاد که درست در جبهه مخالف روس‌ها صف‌بندی کرده بودند. در رأس این دسته احمد آرامش

قرار داشت که بعد از عزیمت مظفر فیروز با سمت دبیرکل حزب کلیه امور حزبی را زیر نظر گرفت. فعالیت او هنگامی که تصدی وزارت کار و تبلیغات را به عهده داشت باعث از هم پاشیدن شورای متحده گردید.

قوام السلطنه بوسیله همان سازمان مخفی اطلاع پیدا کرده بود که روز یکشنبه نهم تیر مقابله‌نامهٔ ائتلاف بین حزب توده و حزب ایران منعقد خواهد شد. دکتر یزدی و دکتر کشاورز از طرف حزب توده و اللهیار صالح و مهندس فریور از طرف حزب ایران این مقابله‌نامه را امضا خواهند کرد. به همین جهت بود که او شب قبل از آن روز یعنی در ساعت بیست و یک روز شنبه هشتم تیرماه تشکیل حزب دموکرات ایران را اعلام داشت.

در اینجا قوام برای مقابله با عوامل مؤثر حزب توده و فرقهٔ دموکرات که عموماً افرادی ماجراجو، بی‌باز و از جان گذشته بودند ناگزیر بود که عده‌ای عناصر حادثه‌جو و ماجراطلب را به حزب دموکرات وارد کند. زیرا افراد صاحب عنوان و کندرو استعداد و انرژی مبارزه با صف ورزیده و جنگ آزمودهٔ حزب توده و فرقهٔ دموکرات را نداشتند. چون این افراد گمنام و حادثه‌جو پایه‌گذار حزب دموکرات شده بودند مخالفین قوام از قبیل سید ضیاءالدین طباطبائی، دکتر طاهری و سید محمدصادق طباطبائی در عین خوشحالی از تشکیل حزب دموکرات از آن وحشت داشتند که مبادا پس از رهایی از چنگال حزب توده در دست عناصر مخالف حزب توده که در عین حال با مرتجعین و عمال سیاسی دست راستی هم به نظر بغض و کینه نگاه می‌کردند، گرفتار بشود. برای آنها خطر ارسنجانی، فروزش، عمیدی نوری و عباس شاهنده به مراتب بیش از سید جعفر پیشه‌وری، غلام یحیی، روستا و اردشیر آوانسیان بود؛ زیرا آنها چون توده‌ای نبودند و مبارزات نمایانی هم با حزب توده کرده بودند نمی‌توانستند مورد تکفیر قرار بگیرند و ماسک بیگانه پرستی و کمونیستی بر پیشانی آنها لایتجسبک بود.

